



نکته‌های تازه

درباره برکناری میرزا آقاخان نوری

میدانیم، قرار داد پاریس در ماه رجب ۱۲۷۳ قمری (مارس ۱۸۵۷ میلادی) بین «فرخ‌نخان امین‌الملک‌کاشی»، سفیر ایران در اسلامبول و «لرد کولی» سفیر دولت بریتانیا در کبیر در لندن به امضاء رسید و بموجب این قرارداد، دولت ایران برای همیشه از تمامی حقوق خود بر «هرات» و افغانستان چشم پوشید و «سلطان مراد میرزا احسام‌السلطنه» فاتح هرات که قلوب مردم هرات را بسوی ایران جلب کرده و بنام ناصرالدین شاه سکه بر زر زده بود، بدستور میرزا آقاخان، از استانداری خراسان معزول گردید و هرات را تخلیه کرد و به طهران آمد و مبالغ سنگینی به خزانه دولت و به نفوس مملکت زیان وارد شد. بی آنکه کوچکترین نتیجه‌ئی عاید گردد.

و باز میدانیم، در واقعه هرات، دولت انگلیس مدعی ایران شد و با ایران قطع رابطه کرد و نیروی دریائی آن دولت، بوشهر را تصرف کرد و در خر مشهر نیروی ساختاری محل را درهم شکست و خانلر میرزا حکمران، از برابر یورش نیروی دریائی انگلیس، گریخت و همین حمله به

* آقای ابراهیم صفائی. از شاعران نغزگفتار و پژوهشگران صاحب‌نظر معاصر.

بنادرايران قطع رابطه سياسي، دولت ايران را به چاره انديشي واداشت و سرانجام «فرخ خان» در رأس هيتي رهسپار پاریس شد و با میانجیگری ناپلئون سوم بانمایندگان دولت انگلیس برسر پرستی «لرد کولی» وارد گفتگو گردید و نتیجه گفتگو به تنظیم قرارداد رجب ۱۲۷۳ ق.ه. انجامید.

چیزی که در این میان شگفتی آورمی نماید شتابزدگی میرزا آقاخان و فرخ خان است. میرزا آقاخان که میخواست، بهر صورت خشنودی اولیاء دولت انگلیس را تحصیل کند به فرخ خان دستور داد بهر صورتی که هست قرارداد را تمام کند و پس از آنکه کار قرارداد تمام شد، خوشحال گردید و گفت: اگر هرات و افغانستان از دست رفت صدارت من باقی است. (صفحه ۱۷۸ تاریخ قاجاریه از علی اصغر شمیم - اما شمیم مأخذ این گفتار را نقل نکرده است).

اما شتاب فرخ خان بقدری بود که «کیسیلف» سفیر دولت روسیه در پاریس، دچار حیرت شد و در گزارش محرمانه خود برای «تولستوی»، معاون وزارت خارجه روسیه، نوشت: «فرخ خان برای بستن قرارداد بیست هزار تومان پول گرفته و واسطه گرفتن پول ملکم خان ترجمان او بوده است.» (کتاب ۳۸ - اسناد وزارت امور خارجه).

میرزا آقاخان که خود بدون پیش بینی های لازم موجبات فرستادن نیرو به هرات را در ۱۲۷۲ فراهم آورده و دچار قهر و غضب انگلیس ها شد. و در آن اوقات برکناری او را مکرر از ناصرالدین شاه میخواستند، از اینرو در رجب ۱۲۷۳ موضوع دعاوی ایران را بر هرات و افغانستان بدانسان فیصله داد که دولت انگلیس میخواست.

پس از آنکه قرارداد پاریس مبادله شد و «مسترمودیه»، وزیر مختار انگلیس به طهران آمد، میرزا آقاخان برای برائت ساحت خود، در ضمن يك نامه محرمانه، به وزیر مختار انگلیس نوشت: «سبب جنگ با افغان اراده همایون پادشاه بود و من تقصیری نداشته و کسافسی السابق طالسب اقدام در منظورات آندولت می باشم» (صفحه ۶۸ کتاب یکصد سند تاریخی).

سرانجام، ناصرالدین شاه، میرزا آقاخان نوری را در محرم ۱۲۷۵، از صدارت و تمام مشاغل دیوانی معزول کرد. هم چنین میرزا کاظم خان نظام الملک، فرزند میرزا آقاخان را که وزیر لشکر بود برکنار ساخت و دستور داد به حساب آنان رسیدگی کنند. پس از وصول قسمتی از حقوق دولتی، آندو را به یکی از روستاهای بین ملایروارک تبعید کردند.

میرزا آقاخان در فاصله برکناری و تبعید، به دولت روسیه و دولت انگلیس و دولت فرانسه متوسل شد که در صورت امکان نزد شاه شفاعت کنند و او را دوباره به صدارت بازگردانند و اگر بازگشت به صدارت ممکن نشود، برای او تأمین مالی و جانی بگیرند.

وزیران خارجه و وزیران مختار هر سه دولت بیانجیگری برخاستند ولی تأثیری نبخشید و تنها تأثیر، ایمنی جان او و کسان او و واگذاری قسمتی از اموال آنان بخودشان بود.

برای اینکه از تقصیرهای میرزا آقاخان آگاه شویم، قسمتی از نامه میرزا قاسمخان سرقیپ، وزیر مختار ایران را در روسیه، نقل می‌کنیم. وزیر مختار، متن گفتگوی خود را با «کرچکوف»، وزیر خارجه دولت روسیه تزاری، برای وزارت خارجه ایران چنین شرح داده است:

در سابق که میرزا آقاخان صدراعظم بود در امورات خارجه هم، مثل جمیع کارهای داخله مملکتی و دولتی، دخل و تصرف میکرد، حالا رأی مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی قرار یافته است که صدراعظمی موقوف شود هر شغلی مستقلاً با صاحب همان منصب بوده و خود در رتق و فتق خدمت محوله بخود مختار بوده و کارها را بشخصه حضور مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی برده و بگذرانند.

وگفتم: «البته شما بخاطر دارید همان روز که در باب اصلاح امر «میرزا آقاخان» صدراعظم سابق، فرمایش اعلیحضرت امپراتور که بشما فرستاده و شما مشافهتاً بمن ابلاغ می‌نمودید، در مقام ازدیاد روابط دولتین، میرزا آقاخان را باعث و سبب کلی قرار میدادید. من حکایت میل باطنی اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه را که از اوقات ولیعهدی با دولت روس داشته‌اند و مسافرت ایروان و ملاقات امپراتور سابق «نیکولای» را مفصلاً بیان نمودم و بعد گفتم اینک تفصیل اعمال میرزا آقاخان را بیان می‌نمایم. از بدو امر میرزا آقاخان بستگی به دولت انگلیس داشت و به اعتقاد بعضی از دولت انگلیس موظف هم بوده مشارالیه تصدیق نمود....»

گفت: «این فقره را شما بدانید که اعلیحضرت امپراتور در عزل صدراعظم یا وزیران دیگر پادشاهی هیچوقت حرفی نداشته و نخواهند داشت. فقط در دوستی با اعلیحضرت پادشاهی و همجواری با دولت ایران دو چیز را منظور دارند، اول اینکه وزرائی که تعیین می‌فرمایند اشخاصی باشند که دوستی موجود بین ایران و روس را حفظ کنند و مستحکم بدارند، ثانی آنکه میرزا آقاخان را که مقصر گردیده و از خدمت و منصب معزول فرموده‌اند چون بنفسه او را امان داده‌اند، از برای جان او خطری نباشد، این فقره را هم که اعلیحضرت امپراتور خواهش دارند بجهت حفظ شأن اعلیحضرت پادشاه است که دوست و برادر خود میدانند.» گفتم: «عرض خواهم کرد، اما شما باید مفصلاً از احوال و کردار میرزا آقاخان و صبر و حوصله و مدارای اعلیحضرت اقدس شهریاری مطلع بشوید و بدانید که میرزا آقاخان باعث اختلال مودت اعلیحضرت پادشاهی با اعلیحضرت امپراتور بود، وقتی دید که مقصود و منظور اعلیحضرت شاهنشاهی در همراهی و موافقت روس است و از طرفی دیگر واضح گردید که او طرفداری دولت انگلیس را نموده و این دو عمل ضد، مخالف طبع و رأی مبارک اعلیحضرت پادشاهی از او بظهور آمده و هر دو در قلب مبارک پادشاه وقعی عظیم خواهد داشت لابد گردید از برای اشتباهکاری با دولت انگلیس بازی نماید و محض برائت ذمت، رفته رفته، دوستی را به برودت و برودت را به جنگ کشانید، بعد از آنکه دید کار از پرده بیرون رفته دست بتدارک جنگ زده مبالغ خطیری به خزانه و نفوس دولت

علیه خسارت رسانید، باز اگر در بستن مصالحه قدری صبر نموده دست‌نگه میداشت، البته با ظهور اغتشاش در هندوستان که يك ماه بعد از بستن عهدنامه جدید بروز نمود - که هنوز هم رفع غائله آنجا نگردیده است - می‌توانست عهدنامه با صرفه خوبی ببندد.

خلاصه بعد از آنکه کار با دولت انگلیس يك روشد و صورتاً انگلیس را از دست داده بود از بابت سوء خیالات خود خواست بيك دولتی از روس و انگلیس ربطی داشته باشد. دولت انگلیس را که از دست داده بود لابد شد با سفرای دولت روس بنای سلوک و مدارا بگذارد. اولاً با «مسیو غوفسکی» و بعد با «مسیو بفر» شارژدافره‌های موقتی دولت بهیه و وقتی هم که «مسیو خانتوف» وزیر مختار بدارالخلافت آمد با او هم خصوصیت نمود و چنان وانمود که مؤسس اساس دولتی ایران و روس است و حال آنکه اگر میل و رأی اعلیحضرت شاهنشاهی را باینطرف نمیدید ابداً جرأت بآنطورها نمیکرد. چنانکه با همه شوق باطنی و بستگی که با دولت انگلیس داشت لابد تابع رأی همایون گردید و دوستی را به برودت و خصومت رسانید.

(نقل به خلاصه از کتاب يك صد سند تاریخی).

مطلب دیگر درباره برکناری میرزا آقاخان در روزنامه روس «سنت پترزبورگ» در هسان اوقات نوشته شده که اطلاعات جدیدی در بر دارد. از آن جمله نوشته شده است:

اخباری که از طهران رسیده از این قرار است: چند روز بعد از معزولی، میرزا آقاخان را با دو پسرش با یکدسته سواره ایشان بخانه شهروانه نمودند و سربازان را به قراولی آنان معین داشتند و بعد از آن مشغول محاسبه کردن ایشان شدند. اگر چه محاسبات ایشان تمام نشده لیکن میتوان قبول نمود، از قراریکه معلوم می‌شود اکثفاً به مواجبه خود که يك میلیون فرانک باشد نموده و از وجوه خزانه دولتی هر سال شش میلیون بر میداشته است و در اوقات جنگ با انگلیس بهمه جا اشتها دادند که جهاد است و بدین جهت دوازده میلیون فرانک از ایران جمع گردیده و ربع آن وجه داخل خزانه دولتی شده سه قسماً دیگرش صرف جیب صدراعظم و متعلقانش گردیده و این است تفصیل حساب. چنین مذکور است که يك یا دو سفارت زیاد سعی و اهتمام نمودند که صدراعظم را اعلیحضرت پادشاه دوباره منصوب فرمایند و علاوه بر این میگویند تهدید و وعید هم در میان بوده است اما بجا و مؤثر نیفتاد.... (یکصد سند تاریخی).

آنچه خبرنگار روزنامه «سنت پترزبورگ» نوشته بر مبنای شایعات بوده و جنبه خیری داشته که احتمال صدق و کذب در حق آن می‌رود، لیکن اظهارات وزیر مختار ایران جنبه رسمی داشته و مطالب آن درخور توجه و دقت و بررسی است.